



# خدا و مسأله شر

در مقابل بعضی بدون اهمیت و توجه لازم به شبهه‌ی جدید، در مقام رفع شبهه‌ها هستند. این دو عامل، یعنی اهمیت و تقابل عالمان متأله و ملحد در مسأله شر و ترجمه برخی مقالات غربیان و ورود بعضی اندیشوران به این گونه مباحث، انگیزه نگارنده را در این تألیف قوت بخشیده است. عامل سومی که در این تحقیق، مهم و دخیل بود، ارائه مباحث فوق به صورت مقاله در مجلات و یا در قالب جزوه درسی بود که اکنون منسجم و منقح عرضه می‌شود.

**هدف**  
این نوشتار عهده‌دار تبیین و ارزیابی راه حل‌های مختلف متألهان در مواجهه با مسأله شر و خداست و جهت آشنایی بیشتر با آرای موافقان و مخالفان سعی شده است عباراتشان از منابع اولیه - خصوصاً در تدوین عربی - نقل شود.

عمده‌ترین ویژگی این نوشته، علاوه بر تدوین راه‌حل‌های مختلف و گزارش آرای صاحب نظران در یک مجموعه، تحلیل و نقد نظریات بدون توجه به صاحب نظریه اعم از شرقی و غربی است.<sup>۲</sup>

شور و کاستی‌ها در عالم ناسوت، زمینه پیدایش سؤاها و شبهه‌هایی درباره آفریننده قادر و خیرخواه عادل شده است و این ریشه‌ای قویم و قدیم دارد و شبهه ناظر به توحید و صفات خداست و دارای حساسیت فراوان می‌باشد.

دشمنان دین با طرح این شبهه دو هدف را دنبال می‌کنند، یکی تحدید و تقیید علم، قدرت و خیرخواهی خدا و دیگر اصل وجود خدا.

اثر حاضر بدو به بیان ماهیت شبهه شر، تقریرهای گوناگون آن، پیشینه بحث و اصولاً معنای شر از دیدگاه بسیاری از دانشمندان غربی، تعریف و تحلیل معنا و اقسام شر، تقابل خیر و شر می‌پردازد و در یک ارزیابی نتیجه می‌گیرد:

«با دقت بیشتر در مصداق‌های شر طبیعی مانند سیل، زلزله، زخم‌های بدن، ناراحتی‌های روحی و روانی، فقدان دلبستگی و نزدیکان درمی‌یابیم که در حقیقت همه شرور از این روی که موجب درد و رنج و ناراحتی انسان می‌شوند، جامه شریّت بر تن کرده‌اند و در این قبیل شرور، شر واقعی همان وجود درد و اندوه در نهاد انسانی است و ملاک شرها همان احساس درد و رنج است و سایر اموری که متصف به شر می‌شوند، در حقیقت موجبات شر را فراهم می‌کنند نه این که خودشان اساساً شر باشند، بلکه شر بودن آنها بالتبع و بالقرض است.»

در پایان فصل اول به تحریر و تبیین شبهه در چهاربند و سه تقریر پرداخته است دو فصل دیگر این اثر در بیان راه حل هاست، ابتدا نه راه حل پذیرفتنی را در فصل دوم و سپس سه راه حل مردود را در فصل سوم مطرح می‌کند.

## خدا و مسأله شر

- خدا و مسأله شر
- محمد حسن قدردان قراملکی
- دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه
- چاپ اول، ۱۳۷۸

● علی رضوان‌نشری

محمد حسن قدردان قراملکی

این کتاب، تحقیقی عقلانی درباره یکی از مسائل حاد و پیچیده فلسفه دین، یعنی «مسأله شر» است. مسأله شر از مسائل مهم فلسفه دین است که باعث دلمشغولی عالمان متأله شده است.

فلاسفه ملحد از یک سو می‌کوشند که شرور و کژی‌های عالم کنونی را ناسازگار با وجود خدای توانا و خیرخواه محض تلقی کنند. و در سوی دیگر، متألهان در چالش با ملحدان می‌کوشند با ارائه راه حل‌های عقلانی به آن پاسخ دهند.

ترجمه برخی مقالات دانشمندان مغرب زمین در مجلات و کتابها و همچنین اختصاص پاره‌ای از دروس معارف و کلام در سطح عالی حوزه و دانشگاه به این موضوع، خود روایتگر اهمیت و حساسیت مسأله شر است.<sup>۱</sup>

انگیزه نویسنده چنین بیان شده است:

«آنچه در لابلای این مباحث دیده می‌شود، افراط و تفریط‌های گروهی از اهل نظر و قلم است؛ مثلاً بدون نقد و تبیین، به نشر آثاری اقدام می‌کنند که در آنها نوعاً رابطه شر را با صفات کمال خدا پارادوکسیکال و متناقض می‌خوانند.»



در این جا مناسب است، برخی پاسخ‌هایی که در فصل دوم آمده است بررسی شود:

در راه حل دوم نیستی انگارانه شَر است یعنی هر چه جامه «هستی» بر تن کند، خیر است. در این فرض تمام شرور از نیستی‌ها و اعدام منتزع می‌شوند؛ به عبارت دیگر شأن و منزلت وجود و هستی افاده خیر و برکت، بلکه نفس خیر است و وجودی یافت نمی‌شود که بالذات شَر باشد. بنابراین، همه شرور عبارت از عدم وجودات و کمالات است، مانند سایه که عبارت است از عدم روشنایی، نه این که سایه خود در مقابل نور و روشنایی وجود مستقلی داشته باشد. سایه، عدم نور است و عدم، احتیاجی به خالق ندارد.<sup>۲</sup>

راه حل چهارم: شرور لازمه خیرهای برتر در این چمن گل بی‌خار کس نچید آری

چراغ مصطفوی با شرار بولهبی است طرفداران این راه حل، برای تبیین یا اثبات مدعای خود به مثال‌هایی استشهد می‌کنند؛ مثلاً وجود آتش که احدی در خیر بودن آن تردیدی نمی‌کند، گاه موجب ضرر و شرور کثیری می‌شود، در عین حال کسی معترض به وجود آن نیست.

بنابراین غایت اصلی و بالذات خداوند از آفرینش آتش، منافع بی‌شمار آن است، اما مضرت و شرور حاصل از آن مراد و مقصود بالعرض خداوند است.

این دیدگاه سه رکن دارد.

الف) کثرت خیرات و قلت شرور،

ب) عدم انفکاک شرور از خیرات،

ج) مساوقت ترک خیر کثیر یا شَر کثیر.

توضیح: رکن اول: نظام احسن

چون خداوند حکیم و عالم و قادر و خیر خواه مطلق است، هیچ داعی و انگیزه‌ای برای به وجود آوردن شرور ندارد و هر آنچه از آن منبع غیرمتمنهای افاضه می‌شود، همه خیر و نیکوست و شرور همگی معلول و تبعات حرکات و تضاد عالم مادی محسوب می‌شود که خواه ناخواه منافع بعضی را به مخاطره می‌اندازد اما برای تحصیل منافع بی‌شمار این عالم، از این شرور گریزی نیست.

علاوه بر فلاسفه، این گرایش در سخن غالب شعرای نامی نیز آمده است مثلاً حافظ گوید:

پیر ما گفت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش یابد  
راه حل پنجم: شَر لازمه تعالی روح انسانی.

متألهان در لزوم وجود غایت، غرض و فایده از خلقت جهان اتفاق نظر دارند، اَفْحَسِبُّكُمْ انما خلقناکم عبثاً و انکم الینالا ترجعون» (مؤمنون / ۱۱۵) اما در این که هدف و غایت چیست؟ آراء و مشارب مختلفی وجود دارد. بعضی کشف غایت آفرینش اصل عالم را از معماهای تاریخ بشریت ذکر می‌کنند. و برخی دیگر از متألهان که اکثریت را نیز تشکیل می‌دهند معتقدند که

سعادت و کامروایی واقعی و بدون درد و رنج برای انسان در دنیای فعلی امکان‌پذیر نیست، بلکه این دنیا نردبان تکامل و نیل انسان برپام سعادت موعود و ابدی در سرای دیگر است که با امتثال و تکالیف الهی و با اعمال نیکو و شایسته، نفس و روح انسانی مصفا شده زمینه تکامل و تعالی را فراهم می‌کند.

اما اگر عالم کنونی، عالمی بود که در آن همه مردم بدون درد و رنج، و در راحتی مطلق زندگی می‌کردند و خداوند متعال خلقت انسان را مانند خلقت ملائکه قرار می‌داد که خودکار خیر و نیکوکار باشند، دیگر زمینه رشد و تکامل برای روح انسانی پدیدار نمی‌شد، زیرا اگر انسان مبتلا به سختی و مصیبتی نشود، خوی صبوری و بردباری در او تجلی پیدا نمی‌کند، اگر انسان، فقیر و نیازمندی را نبیند، روحیه نوع دوستی و ایثار در او به منصفه ظهور نمی‌رسد.

بارور شدن ملکات حسنه‌ای که خداوند در سرشت انسان به ودیعه نهاده است، متوقف بر وجود مصایب و ناملازمات است؛ تا آن گوهری که خداوند پس از خلقت آن، بر ملائکه مباهات کرده و در آفرینش آن فرموده: «فتبارک الله احسن الخالقین» پرورده و شکوفا گردد.

راه حل ششم: شرور مبدأ خیرانند.

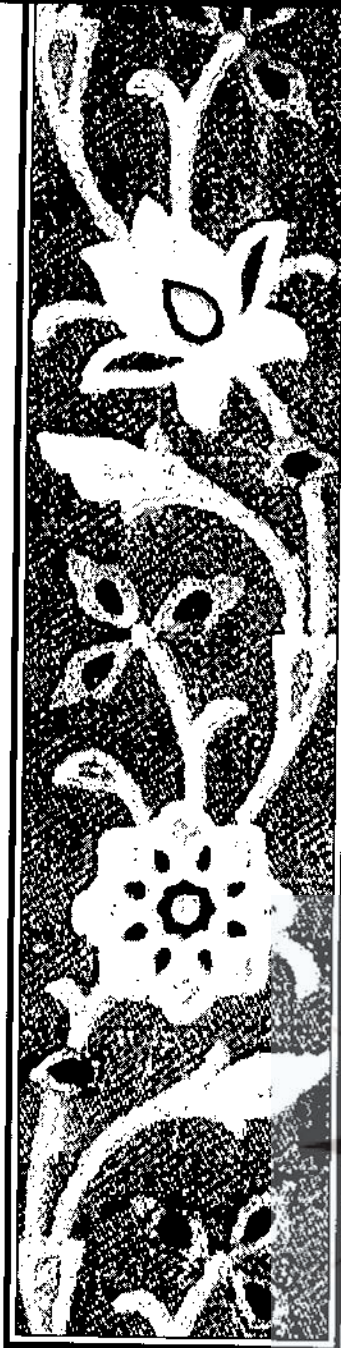
شهید مطهری (ره) با عنوان کردن «مصایب، مادر خوشبختی‌ها» می‌گوید: زشتی‌ها، مقدمه وجود زیبایی‌ها و آفریننده و پدید آورنده آنها می‌باشند. در شکم گرفتاری‌ها و مصیبت‌ها، نیکبختی‌ها و سعادت‌ها نهفته است، همچنان که گاهی هم در درون سعادت‌ها، بدبختی‌ها تکوین می‌یابند و این، فرمول این جهان است.»

حضرت علی علیه السلام نیز با مقایسه درختان صحرائی با گیاهانی که در باغستان‌ها با نگهداری باغبان رشد می‌کنند، اما فاقد استحکام و دوام حداقل هستند، این قانون طبیعی را خاطر نشان می‌کند.

راه حل هفتم: شَر معلول بی‌خبری از ابعاد پشت پرده است.

هر آنچه در دید ابتدایی برای انسان درد و رنج و ضرر تلقی می‌شود و انسان شتاب زده حکم به شَریت آن می‌کند، ناشی از جهل و عدم شناخت ابعاد و جوانب و وقایع پشت پرده است. اگر تمام پرده‌های جهل و بی‌خبری فرو ریزد و واقعیت‌ها آن‌گونه که هست نمایان گردد، انسان عجولانه حکم به شَریت چیزی نمی‌کند، مثل ما انسانها در مواجهه با شرور، مثل آن کودکی است که با فریادها و ناله‌های خود از شربت تلخی می‌گریزد که در واقع بهبودی و سلامتی او در گرو آن است.

چون نگرش ما به خدا نگاهی از پایین به بالاست و مواردی که در پایین، نقص و خطا تلقی می‌شود مانع دید ما به خدا با صفات کمالی او می‌شود. این نوع نگرش غبارآلود و غیر واقع بینانه خواهد بود مانند مشاهده صورتی در آینه‌ای که سطح آن را گرد و خاک پوشانده،



که غیر از یک صورت مکدر چیزی دستگیرمان نمی‌شود. این راه حل به تقریر دیگری نیز در میان فلاسفه غرب مطرح است.

قرآن کریم می‌فرماید: «و عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم و عسی ان تجواشیئاً و هو شَر لکم واللّه یعلم و انتم لاتعلمون» (بقره / ۲۱۶).

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بدان که استقرار دنیا بر پایه‌هایی است که خداوند از نعمت‌ها و بلاها در دنیا و کيفر در آخرت قرار داده است، یا آنچه او خواسته از اموری که شما نمی‌دانید، اگر بعضی از این امور بر تو مشتبه شد آن را بر نادانی خود حمل کن» (نهج البلاغه / خ ۳۱) استاد محمدتقی جعفری (ره) می‌گوید: «در تصوّر مفهوم شر، ما انسانها عینکی از حیات خود - با معلومات محدودی که داریم - به چشم خود می‌نیمیم و هر پدیده‌ای را که مخالف حیات ما بوده باشد و یا به خواسته‌ای از خواسته‌های حیات ما خللی وارد بیاورد، شَر می‌نامیم. این خاصیت مغزی و روانی ما انسانهای تکامل نیافته است که ملاک‌ها و علل واقعیت‌ها را بر محور حیات خود مورد تفسیر و توجیه قرار می‌دهیم. خلاصه گمان نمی‌رود اگر حیات محوری،

کنار گذاشته شود عاملی پیدا شود که بگوید: شری در دنیا وجود دارد. این طرز تفکر سطحی را باید کنار گذاشت.»  
راه حل هشتم: شری لازمه اختیار انسان است.

اصل آزادی و اختیار که نعمت و گوهر گران بهای الهی برای انسان است و راه تکامل و سعادت ابدی او را هموار می‌سازد، پاره‌ای پیامدهای سوء و اجتناب‌ناپذیری دارد که می‌تواند بستر تحقق شرار اخلاقی باشد. اما چون منافع و خیراتی که از اصل آزادی برای انسان نصیب می‌گردد بیش از زیان‌ها و غیر قابل قیاس با آنهاست، خداوند انسان را با خمیر مایه اختیار آفرید تا با اتکا به آن کسب فضایل و کمالات کند. به بیان دیگر، خداوند متعال در حین آفرینش انسان دو راه بیشتر نداشت:

۱- انسان را مجبور و فاقد اختیار می‌کرد، تا بدین وسیله از او کوچک‌ترین گناهی نیز سر نزنند.  
۲- انسان را مختار و آزاد خلق می‌کرد، تا مراحل کمال و سعادت ابدی را با استفاده از اصل آزادی طی کند.

صورت اول مستلزم از دست دادن خیرهای برتر است، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد این با افاضه فیض وجود الهی ناسازگار است.

□ نکته: اگر مخالفان اندیشه‌های دینی می‌توانستند اثبات کنند که شرور و مصایب دنیوی، برای اشخاص دردمند هیچ مصلحت و خیری - عاجلاً و یا آجلاً - در بر ندارد، بلکه به ضرر و زیان متألمان تمام خواهد شد، در این صورت می‌توان بر ادعای تعارض و تنافی مسأله شر با صفات الهی صحه گذاشت.

راه حل نهم: جبران شرور در عالم دیگر.

بعضی متألهان از جمله متکلمان اسلامی می‌کوشند سازگاری آلام و انواع ضرر و زیان‌های جسمی و روحی در جهان کنونی را سازگار با عدل و حکمت نشان دهند، اینان برای اثبات مدعای خود با طرح اصل «عوض» و «انتصاف» در صدد گشودن معمای شر برآمدند و شرور را به سه قسم زیر تقسیم کرده‌اند.  
الف) ناگواری‌هایی که خودمان مسوول تولیدش هستیم، مثل سوزاندن دست خویش و ضرر به خود.

ب) نامالیماتی که توسط انسانها در حق انسانهای مظلوم انجام گیرد، مثلاً ظالمی به انسان دیگر زخمی وارد می‌کند یا اموالش را غصب می‌کند یا چون استالین و هیتر عامل کشتار هزاران انسان می‌شود.

در این قسم خدای متعال یا در همین دنیا داد مظلوم را از ظالم می‌ستاند و حق را به حقدار می‌رساند یا هر دو را به رستخیز حواله می‌دهد از این رویه به انتصاف تعبیر می‌شود.

ج) مصایبی که پیامد قوانین طبیعت و مستند به خدا هستند نظیر کشته شدن در زلزله و سیل، متکلمان اسلامی در این قسم به طریق اولی قائل به جبران شده‌اند و به پاداشی که خداوند در دنیا یا آخرت برای

جبران می‌دهد به «عوض» یا «اعواض» تعبیر می‌شود. از امام رضا(ع) در بیان فلسفه وجودی انواع امراض روایت است:

«مرض برای مؤمن مایه تطهیر و رحمت است و برای کافر مایه تعذیب و لعنت است و بیماری در حیات مؤمن هست تا آنگاه که گنااهش پاک گردد.»<sup>۴</sup>

اما تاکنون مخالفان دلیلی بر مدعای خود ارائه نداده‌اند، تا مورد کنکاش قرار گیرد.

علاوه بر این از سوی متألهان نیز برای فلسفه وجودی شرور در عالم، غایات و انگیزه‌های مختلفی ذکر شده است که هر چند همه آنها پذیرفتنی نیست؛ اما می‌توان آنها را به طور نسبی پذیرفت، از قبیل:

الف: شرور لازمه عالم طبیعت است؛

ب: شرور لازمه تعالی روح انسان است؛

ج: شرور امتحان الهی است؛

د: شرور کیفر گناهان است؛

ه: شرور پاک‌کننده گناهان است و...

فصل سوم این اثر در راه حل‌های مردود.

در این فصل سه راه حل غیر قابل قبول به نامهای ۱- ارگانیسیم جهانی ۲- دوگانه پرستی ۳- کرانمندی صفات خدا، طرح و نقد شده است.

مزیت‌ها و کاستی‌های این اثر:

مزایای این اثر بر اهل نظر پوشیده نیست به ویژه تحقیقی که درباره یکی از پیچیده‌ترین مسائل کلامی و مورد نیاز جامعه امروزی، در این میدان تهاجم فرهنگی انجام شده در خور ستایش است.

کاستی‌ها:

۱- از کاستی‌های این اثر فریه شدن اشکالهاست که نسبت به پاسخ‌ها نامتناسب است و از طرفی اکثر موارد شبهه بسیار قوی‌تر از پاسخ و یا بلاپاسخ است.

۲- درست است که این اثر تخصصی و علمی است ولی به هر حال به زبان پارسی است و جا داشت مطالب آن فارسی باشد ولی بسیاری از نصوص و متون در این اثر بدون توجه نقل شده است. آیا می‌توان مخاطبان این کتاب را در عربی‌دانها خلاصه کرد؟

مواردی نظیر: ص ۱۹۹ سخن این میمون در کتاب دلالة الحائرين؛ ص ۲۰۰ سخن بهمنیار در التحصیل؛

ص ۲۳۵ سخن علامه حلی و حمصی رازی؛ ص ۲۳۶ سخن فاضل مقداد و ابن میثم؛ ص ۱۱۰ سخن فارابی؛

ص ۱۱۱ کلام ابن رشد و بهمنیار؛ ص ۱۱۲ کلام شیخ اشراق، میرداماد، صدر المتألهین؛ ص ۷۵ سخنان محقق طوسی و میرداماد.

۳- جا داشت که نویسنده گرامی در آغاز مشخص می‌کرد که بر چه اساس و شبهه‌ای بنا دارد مسأله شر را بررسی کند، فلسفی، کلامی، فلسفه شرق یا غرب و طبق کدامیک از مبانی فلسفی غرب. این ابهام اگر از اول رفع می‌شد در تحلیل‌ها بسیار تأثیر می‌گذاشت.

۴- در مواردی شیرازه انتظام و ترتیب مطالب از هم پاشیده و در چینش دقت نشده است مثلاً در ص ۱۰۹ می‌خوانیم: «این دیدگاه از سه رکن و مقدمه ذیل ترکیب یافته است: الف... ب... ح... اینک به تبیین و توضیح بیشتر مقدمات بالا می‌پردازیم: رکن اول...»  
در این محث «مقدمه» گم شده یا مرادف «رکن» پنداشته شده است.

۵- در مواردی در ترجمه، دقت نشده است مثلاً این سخن حضرت علی(ع): واعلم... وان الدنيا لم تكن لتستقر الا على ما جعلها الله عليه من النعماء والابتلاء، والجزاء في المعاد او ما شاء مما لا تعلم...

ترجمه شده است: بدان که استقرار دنیا بر پایه‌هایی است که خداوند از نعمت‌ها و بلاها در دنیا و کیفر در آخرت قرار داده است، یا آنچه او خواسته اما شما نمی‌دانید» بهتر بود ترجمه می‌شد: و بدان که جهان برپای نمانده جز بر سنتی که خدا کار آن را بر آن رانده: که یا نعمت است و یا ابتلاء، و سرانجامش پاداش روز جزا، یا چیز دیگری که خواسته و بر تو ناپیداست» بگذریم که هم آدرس خطاست و هم اعراب نَمَاء.

۶- در امور فنی چاپ و نشر سهل‌انگاری‌های فراوانی رخ داده، چه خوب بود که نویسنده در مراحل نهایی این اثر ارجمند را کنترل می‌کرد. اینک در ص ۱۱۷ غلط‌گیری نیستیم و نمونه‌هایی ارائه می‌شود.

ص ۱۹۴ - آیه شریفه «عسی ان نكزها شيئا» تکرهوا به کسر را ضبط شده است؛ ص ۲۴۰ در دو سطر پایایی در رسم الخط و حروفچینی دو آیه مشابه، تفاوت‌های فاحشی دیده می‌شود.

آیه ۸۳ سوره اسرا «أعرض و نأى» و آیه ۵۱ فصلت «أعرض و نأى» ضبط شده در فاصله واژه‌ها و اعراب‌گذاری هم یکدست نیست؛ ص ۱۳۱ در دو سطر پایایی ابوالعلائی معری - ابوالعلائی معری؛ ص ۱۷۷، آدرس آیه ذکر شده است، ص ۱۷۳ شماره پانوشته‌ها اشتباه است، اغلاط مطبعی مثل: ص ۱۱۷ جانوارن/جانوران؛ ص ۱۹۳

مواجه / مواجهه؛ ص ۴۵ س ۶ چیزهای / چیزهایی؛ ص ۱۱۰ طبعه / طبیعه

پانوشته‌ها:

۱- پیشگفتار، ص ۵

۲- برگرفته از پیشگفتار

۳- همین اثر، ص ۴۳

۴- ثواب الاعمال، ترجمه غفاری، ص ۴۲۹